

## بررسی نقش همنشینی در پیشگیری از انحرافات اجتماعی از دیدگاه

### علی علیه السلام در نهج البلاغه

محمود رجیبی\*

حفیظ الله فولادی\*\*

داود صفا\*\*\*

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناخت، توصیف و تحلیل پیشگیری از انحرافات اجتماعی در جامعه بر مبنای بهره گیری از کلام حضرت علی علیه السلام در خصوص بررسی نقش همنشینی بوده است. جهت پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، با استفاده از روش نظریه مبنایی، گزاره‌های مرتبط با موضوع همنشینی از نهج البلاغه استخراج شده، و سپس در طی مراحل داده‌ها کدگذاری و مقوله‌بندی و نتایج مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفتند. طبق یافته‌های پژوهش، اتخاذ مجموعه‌ای از رویکردها در مقوله همنشینی، مانع فراگیری و ارتکاب کنش‌های انحرافی است. این مهم با تمرکز بر توجه به اهمیت جایگاه همنشینی و انتخاب همنشین در تعامل‌های اجتماعی، پرهیز از برخی همنشینی‌ها، پرهیز از حضور در برخی مکان‌ها و نقش وضعیت مکانی در رفتارهای اجتماعی انسان، معرفی برخی از الگوهای نقش برای همنشینی، دست‌یافتنی می‌شود. واژگان کلیدی: همنشینی، پیشگیری، انحرافات اجتماعی، نظریه مبنایی، علی علیه السلام، نهج البلاغه.

Email: Quran.iki.ac.ir

Email: Hfooladi@riha.ac.ir

Email: davood\_safa@yahoo.com

\* استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.

\*\* استادیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (نویسنده مسؤل).

\*\*\* دکتری جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۰ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۰/۰۵

### بیان مسئله

انسان به طور ذاتی موجودی اجتماعی است و برای رفع نیازهای خود در عرصه‌های مختلف به دیگران نیاز دارد و نمی‌تواند به تنهایی و دور از اجتماع زندگی کند و به همین جهت، ناگزیر است با دیگران دوستی، معاشرت و همنشینی و تعامل داشته باشد؛ البته انسان قادر به انتخاب دوست و همنشین بوده و همواره حق انتخاب برای او محفوظ است. انتخاب همنشین از چنان اهمیتی برخوردار است که حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ناتوانی در دوست‌یابی را نشانه عجز انسان و از دست دادن دوست را ناتوانی بیشتر تعبیر می‌کند و می‌فرماید: «ناتوان‌ترین مردم کسی است که در دوست‌یابی ناتوان است و از او ناتوان‌تر آنکه دوستان خود را از دست بدهد».<sup>۱</sup> در جایی دیگر حضرت می‌فرماید: «... هر کس را به دوستش می‌شناسند»<sup>۲</sup> این بیان حاکی از میزان اهمیت دوست‌یابی و نقش انتخاب دوست در ترسیم شخصیت و جایگاه اجتماعی انسان است. برخی از اندیشمندان معتقدند که همنشین انسان، به‌عنوان واقعیتی انکارناپذیر، تأثیری جدی و تعیین‌کننده بر نحوه زندگی فردی و اجتماعی و جامعه‌پذیری انسان دارد. از میان نظریه‌پردازان، ادوین اچ. ساترلند<sup>۳</sup> با طرح نظریه «همنشینی افتراقی»، به نقش و تأثیر همنشینی بر شخصیت انسان پرداخته است. باید اذعان داشت که مجموعه نظریه‌هایی که تاکنون در مورد پیشگیری و کنترل انحرافات اجتماعی مطرح شده‌اند، از چشم‌اندازهای مختلف زیستی، روانی و اجتماعی وارد شده و در منظری علمی و از سطح‌های تحلیلی متفاوتی به آن نگر بسته می‌شود و به نتایج و راهکارهای گوناگونی نیز دست یافته‌اند.

برخی از جرم‌شناسان در نگاهی افراطی معتقدند که «کیفر درمان نیست، بلکه خود درد بی‌درمان است. کیفر مبارزه با معلول است نه با علت. مبارزه با معلول معقول نیست؛ زیرا تا علت باقی است معلول بر طبق قانون علیت پدید می‌آید. کیفر نه تنها وسیله‌ای برای پیشگیری از وقوع بزه نیست، در بسیاری از موارد ثابت شده که خود وسیله‌ای برای ازدیاد جرائم است» (کی‌نیا، ۱۳۶۹، ص ۲۶-۲۷)؛ اما در فرهنگ و اندیشه اسلامی گرچه کیفر در مواردی پذیرفته شده است؛ ولی با توجه به نوع هستی‌شناسی و انسان‌شناسی خود، بر پیشگیری از کج‌روی تأکید فراوان شده است. بنابراین، می‌بایست تمرکز را بر پیشگیری و علاج واقعه پیش از وقوع کرد که راهکاری کم‌هزینه‌تر و مطمئن‌تر از درمان است. بی‌تردید سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی کاستن از آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای، توجه به مجموعه راهکارهای پیشگیری از انحرافات اجتماعی با تأکید بر ساختارهای اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن جامعه و ارائه راهکارهایی برخاسته از آنها

۱. «أَعَجَزُ النَّاسُ مَنْ عَجَزَ عَنِ الْإِحْتِسَابِ الْإِحْوَانِ، وَ أَعَجَزُ مِنْهُ مَنْ صَبَّحَ مِنْ ظَفَرٍ بِهِ مِنْهُمْ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۲).

۲. «... فَإِنَّ الصَّاحِبَ مُعْتَبَرٌ بِصَاحِبِهِ» (همان، ن ۶۹).

3. Edwin H. sutherland

در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان است. برای ایجاد و توسعه این راهبرد در جوامع اسلامی که یکی از ضرورت‌های روزآمدی نظام پیشگیری از کج‌روی در چنین جوامعی می‌تواند قلمداد شود، مراجعه به منابع اسلامی و کشف راهکارهای عملی، ضرورتی انکارناپذیر است. از سوی دیگر، تدوین راهکارهای پیشگیری از انحرافات اجتماعی در هر جامعه نیز، نیازمند دانش بومی در هر دو عرصه تبیین و پیشگیری از کج‌روی و شناخت و کاربست حساسیت‌های فرهنگی و ارزشی آن است. آموزه‌های اسلامی یکی از منابع اصلی چنین دانشی در جوامع اسلامی هستند. کنترل رفتارهای انحرافی را گرچه می‌توان با ابتنای بر مبانی صرفاً محسوس و با استفاده از روش‌های تجربی و یا تحلیل‌های عقلی محض دنبال کرد؛ اما اکتفای به آنها و غفلت از روش و منابع دینی و وحیانی، موفقیت لازم را به دنبال نخواهد داشت.

به نظر می‌رسد در سیاست‌گذاری برای پیشگیری از رفتارهای نابهنجار، افزون‌بر ضرورت در نظر گرفتن تناسب آن با رویکردهای فرهنگی و باورداشت‌های اعتقادی اعضای جامعه، می‌بایست بر درک و شناختی درست از ابعاد وجودی انسان نیز مبتنی باشد. از سوی دیگر بیانات علی (علیه السلام) که تربیت یافته در مهد رسالت و حیانی و دریافت‌کننده معارف و حیانی از سوی خداوند و پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) است، می‌تواند در هر سه زمینه یاد شده راهگشا و پاسخگوی پرسش‌های مطرح شده در این زمینه باشد؛ به همین جهت تلاش برای دستیابی به راهکارهای پیشگیری از انحرافات اجتماعی در جامعه اسلامی ایران، بر پایه شناسایی و عملیاتی‌سازی دیدگاه‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام)، دارای اثربخشی و تأثیرگذاری خاص خود خواهد بود. بنابراین یافته‌های حاصل از چنین تحقیقی می‌تواند به‌عنوان الگویی دینی و بومی برای پیشگیری از انحرافات اجتماعی مورد توجه خانواده‌ها، جوانان و همچنین مسئولان جهت سیاست‌گذاری‌های فرهنگی اجتماعی باشد. با بررسی نهج البلاغه مجموعه راهکارهای کنترل انحرافات اجتماعی را در سطوح مختلفی، اعم از فردی، میان‌فردی و ساختاری و در قالب انواع شیوه‌های پیشگیرانه و حتی راهکارهایی برای بعد از ارتکاب رفتارهای هنجارشکنانه در جهت کنترل آنان و... می‌توان ملاحظه کرد. برخی از این شیوه‌ها عبارتند از تأکید بر مقوله تربیت و جامعه‌پذیری افراد جامعه با هدف درونی‌سازی هنجارها، تقویت نظارت اجتماعی با همگانی کردن امر به معروف و نهی از منکر و نیز به‌کارگیری نیروهای متعهد و کاردان در عین نظارت دقیق بر عملکرد آنان، بازپروری افراد خطاکار و... از میان عوامل مختلف مؤثر در پیشگیری از انحرافات اجتماعی، نقش همنشینی در شکل‌دهی به رفتارهای اجتماعی همدیگر از یادگیری اعمال و کنش‌های هنجارشکنانه و انحرافی در جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است. از این‌رو، پژوهش حاضر درصدد شناخت، توصیف و تبیین الگوی نظری اجتماعی برآمده از بیانات امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در کتاب شریف نهج البلاغه در خصوص نقش همنشینی در پیشگیری از انحرافات اجتماعی است.

این مقاله برای کشف و توصیف مسئله مورد پژوهش، درصدد پاسخ به این سؤال‌ها است که، جایگاه، ابعاد، نقش و اهمیت همنشینی با افراد در پیشگیری از انحرافات اجتماعی براساس گزاره‌های نهج‌البلاغه چیست؟ و همنشینی با دیگران طی چه فرایند و مکانیسمی (چگونه) در پیشگیری از انحرافات اجتماعی تأثیرگذار هستند؟ و مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری از ارتکاب رفتارهای انحرافی با تأکید بر نقش همنشین کدامند؟ همچنین اینکه شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر برای تحقق پیشگیری از انحرافات اجتماعی از طریق همنشینی چه مواردی بوده و چه پیامدهایی را می‌توان برای این‌گونه از پیشگیری انتظار داشت؟

### اهداف پژوهش

اهداف مقاله پیش‌رو را می‌توان در دو سطح اصلی و فرعی ترسیم کرد:

هدف اصلی، شناخت مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری از ارتکاب رفتارهای انحرافی با تأکید بر نقش همنشینی در نهج‌البلاغه است.

اهداف فرعی تحقیق نیز عبارتند از:

الف) توجه به اسلامی‌سازی و بومی کردن علوم انسانی متناسب با فرهنگ عمومی و سیاست‌های کلان نظام اسلامی؛

ب) عرضه راهکارهای کاربردی متناسب با الگویی اسلامی در پیشگیری از رفتارهای کج‌روانه با توجه به نقش همنشینی و همنشینان؛

ج) ارتقای ادبیات و تکمیل نظریات مطرح در زمینه نقش و اهمیت همنشینی‌های اثرگذار بر انسان در حوزه پیشگیری از انحرافات اجتماعی.

### چهارچوب مفهومی پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به نوع مطالعه آن، یک مطالعه اکتشافی مبتنی بر روش نظریه‌مبنایی بوده و فاقد چهارچوب نظری است.

با توجه به تفاوت‌های پارادایمی دو روش کمی و کیفی، در بررسی‌های کیفی و اکتشافی به جای استفاده از چهارچوب نظری، از چهارچوب مفهومی جهت استخراج داده‌ها و پاسخ به سؤال یا سؤالات تحقیق استفاده می‌شود. چهارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آنها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد (محمدپور، ۱۳۹۰، ص ۲۹۰).

قبل از توضیح مفاهیم مرتبط با این تحقیق یادآوری چند نکته لازم است:

۱. انسان به دلیل اجتماعی بودن خود، به تنظیم روابط با دیگران می‌پردازد و نیازمند معاشرت و تعامل با هموعان است؛ به گونه‌ای که یکی از شیوه‌های آزار رسانی او، قطع کردن ارتباطش با سایرین است؛

۲. همنشینی و معاشرت فرد با دیگران، در جامعه‌پذیری و شکل‌گیری شخصیت اجتماعی وی نقش مؤثری را ایفا می‌کند. به همین جهت توجه به همنشینان فرد به خصوص در سنین کودکی، از اهمیت مضاعفی برخوردار است.

### مفاهیم مرتبط با پژوهش

راهکار: مجموعه‌ای از سیاست‌ها و برنامه‌های عملیاتی که جهت برخورد با یک وضعیت به کار بسته می‌شوند. روشن است که این سیاست‌ها و برنامه‌ها بر باورداشت‌ها و اصولی مبتنی است که از آبخور آنها دستیابی به اهداف میسر می‌گردد (ر.ک: کوین<sup>۱</sup> و دیگران، ۱۳۷۳، ص ۳۳-۴۶).

عناصر اجتماعی و فرهنگی محیط: به مجموعه عوامل اجتماعی و فرهنگی گفته می‌شود که ارزش‌ها، الگوها، هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی را درونی می‌سازند و خلاقانه خود را با آنها همساز و توانمندی‌ها و مهارت‌های لازم زندگی اجتماعی را تأمین می‌کنند (کوئن<sup>۲</sup>، ۱۳۷۲، ص ۲۰۰).

کنترل (نظارت) اجتماعی: مجموعه شیوه‌ها، تدابیر و وسایلی که یک جامعه، یا یک گروه در راه تحقق اهداف و هدایت افرادش در جهت رعایت آداب، عادات، شعائر، مناسک و هنجارهای پذیرفته خود به کار می‌گیرد (ر.ک: ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۶۹۸). از آنجا که همه جوامع دارای هنجارها و قواعد حاکم بر سلوک خاص افراد خود هستند و جامعه‌ای بدون این هنجارها قابل تصور نیست، همه جوامع سازوکارهایی برای تضمین پیروی از آن قواعد و برخورد با کج‌روی‌های اجتماعی دارند که کنترل اجتماعی در چهارچوب آن تحقق می‌یابد.

کنترل درونی: نوعی مکانیسم کنترل اجتماعی است که در نتیجه آن فرد خود را از درون به انجام رفتار مورد انتظار از خویش ملزم می‌بیند بدون نیاز به اینکه وجود انواعی از الزام‌ها یا محدودیت‌های ملموس و فیزیکی، اعمال آنها را در جهت الزام به انجام آن رفتار حساس کرده باشد.

همنشینی (مجالست): این واژه از دیدگاه اندیشمندان علوم اجتماعی از دو منظر تعریف شده است: از یک منظر آن را مناسبات و روابط مستمر و شخصی میان افراد می‌دانند که محصول مشابهت آنان در علائق، منافع، دیدگاه‌ها و مانند آن است. از چشم‌انداز دوم این واژه در مورد جمع‌ها یا گروه‌هایی به کار می‌رود که بر اثر این شباهت‌ها به هم پیوند خورده‌اند و با هم رابطه و نشست و برخاست و هم‌صحبتی‌ها و مراودات دوستانه دارند (سلیمی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳).

1. Quinn, James

2. Cohen Bruce

**مصاحبت:** در لغت به معنای هم‌صحبت شدن با کسی، یار شدن و همدم گشتن با دیگری آمده (ر. ک: معین، ۱۳۷۱: ذیل واژه مصاحبت)؛ و در اینجا نیز هم‌راستا با همین معانی منظور همدمی فرد با دیگری در تعامل‌های اجتماعی و در زندگی روزمره است. این حقیقت را هم تجربه ثابت کرده و هم دلیل عقل که انسان از همنشین و همدم خود تأثیر می‌پذیرد و صفات و رفتار او را تکرار می‌کند (ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۳۵۷ با اندکی تصرف). در مجموع می‌توان اذعان داشت که فساد و یا اصلاح اخلاق فردی تا حدود زیادی در اثر مصاحبت و همنشینی با افراد نادان و نابه‌کار و یا دانا و درستکار رقم می‌خورد.

**مصادقت:** در لغت به معنای دوستی کردن با یکدیگر است و بدیهی است دوستی افراد با یکدیگر تا حدودی سرنوشت آنان را به هم پیوند زده و وضعیت رفتاری آنان متأثر از همدیگر خواهد بود. مبنایت: به معنای از یکدیگر جدا شدن و مخالف هم بودن است و به صورت منطقی وقتی رابطه میان دو نفر چنین بود، آن دو از نظر شیوه‌های رفتاری نیز از هم پرهیز خواهند داشت. در این مقاله نیز واژه مبنایت رساننده این معناست که پرهیز و جدایی از داشتن رابطه با افراد ناقض هنجارها، موجب دور شدن از شیوه‌های رفتاری هنجارشکنانه آنان نیز خواهد شد.

**مشورت:** در لغت به «رایزنی» و «شور» با دیگران معنا شده و منظور آن است که فرد در مورد چیزی با سایرین رایزنی و نظرخواهی کند. مشورت اگرچه به هنگام عمل الزامی را برای فرد به وجود نمی‌آورد؛ ولی به نظر می‌رسد نمی‌توان آن را بی‌تأثیر دانست؛ زیرا انسان‌ها عموماً متأثر از مشورت با دیگران اند و هرچه طرف‌های مشورت انسان در امور مختلف متفاوت باشد، نتایج مختلفی را می‌تواند به دنبال داشته باشد. متناسب با فضای این مقاله، چنانچه طرف‌های مشورت انسان افرادی فهیم، دانا و درستکار و آگاه باشند، انسان به کارهایی مطلوب‌تر می‌تواند روی آورد و به همین سیاق اگر طرف‌های مشورت انسان افراد نادان و نابهنجار باشند، رفتارهای ساختارشکنانه و ناپسند مورد انتظار می‌تواند باشد.

**مقارنت:** معنای لغوی آن «نزدیک شدن به هم»، «به هم پیوستن» و «یار هم شدن» و... است. در بحث همنشینی، آنچه از این اصطلاح منظور است همانا دوستی و نزدیک شدن و یا دوری و پرهیز از ارتباط با افراد بهنجار و یا نابهنجار است که هر کدام تأثیرات مثبت و یا منفی خود را بر فرد می‌گذارند. **پیشگیری:** از نظر لغوی به جلوگیری کردن و ایجاد مانع پیش از پیدایش بیماری معنا شده است (معین، ۱۳۷۱: ذیل واژه پیشگیری). بنابراین، هر اقدامی که به منظور ممانعت از وقوع یک پدیده، پیش از وقوع آن انجام شود، پیشگیری از آن پدیده محسوب می‌شود. این اقدام در واقع نوعی پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن و به استقبال رفتن است که ممکن است به صورت هشدار دادن و آگاهی دادن نیز تحقق یابد. واژه پیشگیری، در اصطلاح جرم‌شناسی نیز چندان از مفهوم لغوی خود

فاصله نگرفته و تقریباً به همان معنا به کار رفته است، با این تفاوت که اولاً در اصطلاح جرم‌شناسی پیشگیری صرفاً در خصوص جرم و کج‌روی به کار برده می‌شود و ثانیاً، اقداماتی پیشگیرانه محسوب می‌شوند که خارج از سیستم عدالت کیفری و غیرکیفری باشند (خسروشاهی، ۱۳۹۳، ص ۲۵).

**انحراف اجتماعی:** در زندگی جمعی، به معنای سرپیچی از حرکت در راه‌های تعیین شده توسط مدل‌های رفتاری و هنجارهای نهادی است که رفتار جمعی را رهبری و هدایت می‌کنند. با این بیان، فرد منحرف کسی است که افعال و کنش‌هایش از چارچوب‌های تعیین شده توسط زمینه اجتماعی-فرهنگی محیط پیرامون خارج شود. انحراف از هنجارهای اجتماعی صورت‌های گوناگونی دارند؛ از ناهمنوایی فردی گرفته تا ناهمنوایی‌های جمعی که دارای ماهیت جمعی و ناشی از بی‌نظمی‌های اجتماعی می‌باشند (بیرو، ۱۳۶۶، ص ۳۵۰-۳۵۱). این واژه را در فرهنگ اسلامی نیز می‌توان به عدم پای‌بندی به دستورات اجتماعی اسلام که از سلسله مراتب اهمیت برخوردارند، تعریف کرد؛ به این معنا که چنانچه فردی در جامعه اسلامی نسبت به پیروی از هنجارهای اسلامی در عمل پای‌بندی از خود نشان ندهد، از منظر اسلامی دچار انحراف و کج‌روی شده است.

### روش پژوهش

برای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش که از نوع تحقیقات کیفی و اکتشافی متن‌محور است، با استفاده از رهیافت استقرای کیفی، جستجو در نهج‌البلاغه انجام گرفت و برای تحلیل داده‌ها از روش نظریه‌مبنایی و یا زمینه‌ای<sup>۱</sup> استفاده شد. در این روش، برای گردآوری گزاره‌های مرتبط با مسئله پژوهش، پس از مطالعه عمیق نهج‌البلاغه، آن بخش از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار که مشتمل بر مطالبی در ارتباط با سؤال پژوهش بود، به‌عنوان واحد تحلیل جمع‌آوری و سپس در راستای درک مفاهیم مستتر در جملات، کدگذاری اولیه انجام گرفت که در واقع این کدهای اولیه حاکی از مفاهیم موجود در خود داده‌ها و فرایندی برای ایجاد ارتباط بین مفاهیم برآمده از دل داده‌ها و استخراج مضمون جمله جهت ایجاد دسته‌بندی جدیدتر می‌باشد. در مرحله کدگذاری محوری، پراکندگی موجود میان کدها در مرحله کدگذاری اولیه، به اتحاد نسبی تبدیل شده و میان دسته‌بندی‌های به وجود آمده در مرحله کدگذاری اولیه، ارتباط جامع‌تری به وجود می‌آید تا از فراوانی کدهای قبلی، مقدار قابل توجهی فرو کاسته شود. آخرین مرحله از کدگذاری‌ها، کدگذاری گزینشی یا انتخابی نام دارد که در این فرایند از میان دسته‌بندی‌های مختلف، یک دسته به‌عنوان هسته و مرکز برگزیده شده و سایر دسته‌ها به آن دسته ارتباط داده می‌شود. ایده اصلی، همانا ایجاد یک هسته اصلی برای ارتباط دیگر داده‌ها به آن هسته است. اگرچه مقوله گزینشی از درون تحقیق

1. Grounded Theory

بیرون می‌آید، باز یک مفهوم انتزاعی است که حاصل همه تحلیل انجام گرفته در تحقیق، در قالب چند کلمه بیان می‌شود. در واقع این چند کلمه مشخص می‌کند که کل تحقیق درباره چیست (همان، ص ۱۶۷). ضمناً در این روش برخی از مفاهیم هستند که در تبیین داده‌های تحقیق و ترسیم نمودار نهایی از آن، مؤثرند که توضیحی اجمالی درباره آنها داده می‌شود:

**شرایط علی:** مراد از آن، شرایطی است که بر پدیده اثر می‌گذارند و در واقع به حوادث، رویدادها و اتفاقاتی اشاره دارد که منجر به وقوع یا توسعه یک پدیده می‌شود (استراوس و کربین،<sup>۱</sup> ۱۳۹۰، ص ۱۵۳). در این تحقیق، اموری که به‌عنوان شرایط علی و اثرگذار بر وقوع پدیده همنشینی مؤثرند عبارتند از: ۱. تمایل انسان به همنشینی و تعامل با دیگران که برخاسته از خاستگاه زیست اجتماعی اوست، و ۲. انسان در اثر ارتباط و تعامل با دیگران، جامعه‌پذیر شده و فرایند شکل‌گیری شخصیت اجتماعی او محقق می‌شود؛ زیرا انسان در این فرایند، به فراگیری شیوه‌های رفتاری دیگران رو می‌آورد و از وی تأثیر می‌پذیرد.

**شرایط مداخله‌گر:** آنهایی هستند که شرایط علی را دخیل یا به نحوی تغییر می‌دهند. شرایط دخیل اغلب برخاسته از اوضاع و احوال غیرمنتظره هستند (همان، ص ۱۵۳-۱۵۴). با توجه به اهمیت و نقش همنشینی در شکل‌دهی به شخصیت انسان، مواظبت از مصاحبت و دوستی با افراد بهنجار و پرهیز از برقراری ارتباط با افراد نابهنجار، در عین اینکه ضرورت دقت در انتخاب همشین را تداعی می‌کند، نشان از ضرورت احساس مسئولیت در قبال افراد جامعه دارد. همین احساس مسئولیت است که توجه به تربیت و جامعه‌پذیری صحیح افراد را با کار بست مکانیسم‌های کنترل رسمی و غیررسمی، در جهت اصلاح تعامل‌ها ضروری می‌سازد. بر این موارد می‌توان عبرت‌گیری از سرنوشت افراد هنجارشکن را در زمره شرایط دخیل و اثربخش در مقوله مواظبت از همنشینی به حساب آورد.

**شرایط زمینه‌ای:** مجموعه خاصی از شرایط وجود دارد که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را پدید آورند که افراد با عمل/تعامل‌های خود به آن پاسخ دهند (همان، ص ۱۵۴). شرایط زمینه‌ای ریشه در شرایط علی دارند و محصول تلاقی و تلفیق آنها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون هستند (همانجا). آنچه می‌تواند زمینه‌ساز شرایطی برای تحقق پیشگیری از وقوع در کنش‌های انحرافی از ناحیه همنشینی شود، فراوانی و میزان ارتباط و همنشینی با افراد بهنجار و دوری از مصاحبت و رفاقت با افراد نابهنجار است؛ یعنی موقعیتی که کنشگر در آن قرار می‌گیرد، در این راستا مؤثر است.

**پدیده:** واژه‌ای است که به پرسش از جریان چیست، پاسخ می‌دهد. پدیده شکل‌های تکرار شونده رویدادها یا اعمال و تعامل‌هاست. رویدادها، اعمال یا تعامل‌هایی که افراد به تنهایی یا به صورت جمعی

1. Strauss Anselm & Juliet Corbin



در پاسخ به موقعیتی که در آن قرار دارند، به زبان می‌آورند یا آن را انجام می‌دهند (همان، ص ۱۵۲). در این مقاله آنچه مورد توجه است همانا تحقق «پیشگیری از انحرافات اجتماعی از طریق همنشینی» است که با دخالت و نقش‌آفرینی مجموعه‌ای از عوامل و شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر نمایان می‌شود. استراتژی: خط‌مشی‌هایی است که کنشگران در مواجهه با پدیده و با توجه به شرایط علی و زمینه‌ساز اتخاذ می‌کنند؛ باید گفت عمل/تعامل‌ها، اصطلاحاتی هستند که برای اشاره به تاکتیک‌های راهبردی و طرز عمل‌های عادی و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها از سوی افراد در مواجهه با مسائل و امور به‌کار می‌برند. عمل/تعامل‌ها کنش‌هایی تعمدی و هدفمند هستند که برای حل یک مسئله صورت می‌گیرند (همان، ص ۱۵۵). پس از بررسی نهج‌البلاغه و دسته‌بندی و تحلیل داده‌های استخراج شده، خط‌مشی‌ها و استراتژی‌هایی برای پیشگیری از انحرافات از طریق همنشینی به دست آمد در قسمت یافته‌های پژوهش به تفصیل مطرح شده است.

پیامد: نتایج اعمال و تعامل‌ها هستند. پیامدها به ما می‌گویند در نتیجه اعمال و تعامل‌هایی که تحت چنان شرایطی صورت گرفته یا نگرفته، چه پیش آمده است (همان، ص ۱۵۰). برخی از پیامدها خواسته و برخی دیگر ناخواسته‌اند (همان، ص ۱۵۶). پیامدها می‌توانند کم یا زیاد، کوتاه‌مدت یا بلندمدت، فوری یا تدریجی، مشهود یا پنهان، قابل پیش‌بینی یا غیرقابل پیش‌بینی، دارای اثر محدود یا گسترده باشند (همان، ص ۱۵۷). پیامدهای حاصل از تحقق پدیده دوری از انحرافات اجتماعی از ناحیه مراقبت از همنشینی با افراد را می‌توان به صورت طبیعی در فروکاهش انحرافات اجتماعی، فزونی امنیت اجتماعی، افزایش احساس مسئولیت در قبال دیگران و تقویت امر به معروف و نهی از منکر و... دانست.

### یافته‌های پژوهش

گزاره‌های مرتبط با همنشینی در جدول زیر گردآوری و کدگذاری شده و سپس در مقوله‌های محوری دسته‌بندی می‌شوند. پیش از کدگذاری گزاره‌ها و مقوله‌بندی کدها، بیان نکته‌ای حائز اهمیت است و آن اینکه گزاره‌های متناسب با این تحقیق را در دو دسته می‌توان از هم تفکیک کرد: گزاره‌هایی که به‌طور مستقیم و با صراحت به آثار پیشگیرانه از انحراف اشاره دارند، همانند گزاره: «وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْدِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ؛ ن ۵۳» که از آن به دست می‌آید «پرهیز از همنشینی و مشورت با بخیل، در دوری انسان از بخل‌ورزی مؤثر است»؛ و گزاره‌هایی که به‌طور غیرمستقیم و با اعمال حدس و نظر می‌توانند به آثار پیشگیرانه از انحراف ربط داده شوند همانند گزاره «إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ؛ ح ۳۸» که از آن به‌طور غیرمستقیم به دست می‌آید «از آنجا که شخص نادان و احمق، به جهت نادانی و حماقت گرفتار اشتباهات بزرگ می‌شود، دوستی و همنشینی با چنین شخصی در انسان تأثیر گزارده و گرفتار اشتباه و احياناً رفتارهای انحرافی می‌شود (در این زمینه ر. ک: بستان، ۱۳۹۲، ص ۱۱۶).

جدول شماره (۱): کدگذاری اولیه

ردیف	متن اصلی (همنشینی)	ترجمه متن (همنشینی)	آدرس	کدگذاری
۱	و لَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْدِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ ...	بخیل را در مشورت کردن دخالت نده، که تو را از نیکوکاری باز می‌دارد ...	ن ۵۳	تأثیر مشورت با بخیل در بازداشت از نیکوکاری <sup>۱</sup>
۲	و لَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ	و ترسو را در مشورت کردن دخالت نده، که در انجام کارها روحیه تو را سست می‌کند.	ن ۵۳	تأثیر مشورت با ترسو در تضعیف روحیه
۳	و لَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ حَرِيصًا يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ	حریص را در مشورت کردن دخالت نده، که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می‌دهد.	ن ۵۳	تأثیر مشورت با حریص در ستمکار شدن
۴	... اعلموا أن ... مجالسة أهل الهُوى منسأة للإيمان و محضرة للشيطان	... بدانید همنشینی با ... هواپرستان ایمان را به دست فراموشی می‌سپارد، و شیطان را حاضر می‌کند.	خ ۸۶	همنشینی با هواپرستان زمینه فراموشی ایمان و حضور شیطان
۵	فَطَيْبَةُ الْجَاهِلِ تَعْدِلُ صِلَةَ الْعَاقِلِ	بریدن با جاهل، پیوستن به عاقل است.	ن ۳۱	دوری از افراد جاهل هم تراز پیوند با عاقلان
۶	إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْأَخْمَقِ ...	از دوستی با نادان بپرهیز.	ح ۳۸	پرهیز از دوستی با نادان <sup>۲</sup>
۷	... وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْبَخِيلِ	... از دوستی با بخیل بپرهیز.	ح ۳۸	پرهیز از دوستی با بخیل <sup>۳</sup>
۸	... وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْفَاجِرِ	... و از دوستی با بدکار بپرهیز.	ح ۳۸	پرهیز از دوستی با بدکار <sup>۴</sup>
۹	... وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ	... و از دوستی با دروغگو بپرهیز.	ح ۳۸	پرهیز از دوستی با دروغگو <sup>۵</sup>
۱۰	وَ إِيَّاكَ وَ مُصَاحَبَةَ الْفَسَاقِ فَإِنَّ الشَّرَّ بِالشَّرِّ مُلْحَقٌ	از همنشینی با فاسقان بپرهیز که شر به شر می‌پیوندد.	ن ۶۹	همنشینی با فاسقان زمینه ملحق شدن به فاسقان
۱۱	... وَ أَحَبُّ أَجْبَاءَهُ (اللَّهِ)	... و دوستان خدا را دوست شمار.	ن ۶۹	توصیه به دوستی با دوستان خدا
۱۲	وَ اخْذِرْ مَنَازِلَ الْغَفْلَةِ ...	از جاهایی که مردمش در یاد خدا نیستند، بپرهیز ... (شیروانی).	ن ۶۹	پرهیز از معاشرت با مردم غافل از یاد خدا <sup>۶</sup>

- گرچه مشورت کردن به حسب ظاهر، متفاوت از همنشینی است؛ ولی به نظر می‌رسد آنچه موجب توصیه به پرهیز از مشورت با بخیل، ترسو و حریص شده، تأثیراتی است که انسان از ناحیه هم‌صحبتی با این افراد، ولو ناخواسته می‌پذیرد و این تأثیرپذیری می‌تواند زمینه‌ساز دوری انسان از رفتارهای پسندیده و بهنجار شود؛ دقیقاً همان چیزی که انسان در اثر همنشینی با افراد نابهنجار عادات رفتاری آنان را ولو ناخواسته فرا می‌گیرد. در همین زمینه می‌توان به حدیثی از پیامبر اعظم ﷺ اشاره کرد که می‌فرماید: المرء علی دین خلیله و قرینه (انسان بر دین دوست و همنشین خویش است) [شرح نهج البلاغه خوبی، ج ۶، ص ۱۳۶ پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ص ۵۳۵]؛ این بیان نشان از آن دارد که انسان به شدت تحت تأثیر همنشینان خود قرار می‌گیرد تا آنجا که در قالب ضرب‌المثل نیز مطرح شده که «بگو با کیستی تا بگویم چستی».
- «مصادقت» به معنای دوستی است و دوستی افراد با یکدیگر سرنوشت آنها را به هم پیوند زده و هریک در زندگی دیگری تأثیر می‌گذارد. شخص نادان و احمق، بر اثر نادانی گرفتار اشتباهات بزرگ می‌شود و دوستی و همنشینی با چنین شخصی در انسان تأثیر می‌گذارد (مکارم، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۲۵۹).
- دوستان به یکدیگر نیازمند می‌شوند؛ چنانچه دوست انسان بخیل باشد، به جهت اینکه روحیه‌اش به گونه‌ای است که حاضر نیست از مواهبی که خداوند به او داده در اختیار دیگران بگذارد، در حالت نیاز دوستش، وی را رها می‌سازد و از این‌رو، با چنین شخصی نباید دوستی کرد (همان، ص ۲۶۰).
- افراد بدکار پیوسته به دنبال هوا و هوس خویش‌اند؛ به همین دلیل هر زمان هوا و هوس آنان اقتضا کند به دنبال آن می‌روند و دوستان خود را به اندک چیزی می‌فروشند (همان، ص ۲۶۱).
- افراد دروغگو حقایق را برای انسان وارونه جلوه می‌دهند و بر اثر بی‌بند و باری و ضعف ایمان و یا به خاطر علاقه‌ای که به منافع خود دارند، دوستی با آنان خطرناک است و انسان را در خطر قرار می‌دهند (همان، ص ۲۶۱-۲۶۲).
- روشن است که یکی از مکان‌های غفلت‌آفرین و زمینه‌ساز هنجارشکنی برای افراد، مکان‌هایی است که غافلان از یاد خدا در آن حضور دارند.

ردیف	متن اصلی (همنشینی)	ترجمه متن (همنشینی)	آدرس	کدگذاری
۱۳	... وَ اخَذَ مَنَازِلَ ... الْجَفَاءِ ...	از جاهایی که مردمش ستم می‌کنند، بپرهیز ... (شیروانی).	ن ۶۹	پرهیز از معاشرت با ستمکاران
۱۴	... وَ اخَذَ مَنَازِلَ ... قِلَّةِ الْأَعْوَانِ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ	از جاهایی که باری‌کنندگان بر طاعت خدا در آن اندکند، بپرهیز (شیروانی).	ن ۶۹	پرهیز از معاشرت با محل‌های دارای اطاعت‌کنندگان اندک از خدا
۱۵	... وَ إِيَّاكَ وَ مَقَاعِدَ الْأَسْوَاقِ فَإِنَّهَا مَحَاضِرُ الشَّيْطَانِ وَ مَعَارِضُ الْفِتَنِ.	در گذرگاه‌های بازار منشین که جایگاه حضور شیطان و عرصه فتنه‌هاست (شیروانی).	ن ۶۹	پرهیز از نشستن در گذرگاه‌های بازار آلوده به وسوسه‌های شیطان
۱۶	... بَابِنُ مَنْ فَعَلَهُ (الْمُنْكَرُ) بِجَهْدِكَ	... بکوش تا از بدکاران دور باشی.	ن ۳۱	تلاش برای دوری از بدکاران <sup>۱</sup>
۱۷	بَابِنُ أَهْلَ الشَّرِّ تَبَيَّنْ عَنْهُمْ	از بدان دور شو و از آنان دوری کن.	ن ۳۱	توصیه به دوری از بدکاران
۱۸	وَ الصَّقِّ بِأَهْلِ الْوَرَعِ	و به پرهیزکاران ... بیبوند ...	ن ۵۳	توصیه به پیوستن با پرهیزکاران <sup>۲</sup>
۱۹	وَ الصَّقِّ بِأَهْلِ ... الصَّدَقِ	و به ... راست‌گویان بیبوند ...	ن ۵۳	توصیه به پیوستن با راست‌گویان
۲۰	قَارُنْ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ	با نیکان نزدیک شو و از آنان باش.	ن ۳۱	تلاش برای قرابت با نیکان
۲۱	وَ اخَذَ صَحَابَةَ مَنْ يَفِيْلُ رَأْيَهُ ...	از دوستی با بی‌خردان ... بپرهیز ...	ن ۶۹	پرهیز از دوستی با بی‌خردان
۲۲	وَ اخَذَ صَحَابَةَ مَنْ ... يَنْكُرُ عَمَلَهُ	از دوستی با ... خلافکاران بپرهیز	ن ۶۹	پرهیز از دوستی با خلافکاران
۲۳	وَ مَنْ دَخَلَ مَدَاحِلَ السُّوءِ أَتَاهُمْ	هر کس به جاهای بدنام قدم گذاشت متهم گردید.	ح ۳۴۹	پرهیز از حضور در جاهای اتهام‌زا <sup>۳</sup>
۲۴	وَ الصَّقِّ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَ الصَّدَقِ	به پارسایان و راست‌گویان بیبوند.	ن ۳۳	توصیه به پیوند با پارسایان و راست‌گویان
۲۵	لَا تَصْحَبِ الْمَائِقِ فَإِنَّهُ يُزَيِّنُ لَكَ فِعْلَهُ، وَ يُوَدُّ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ.	همنشین فرومایه مباش که کارش را در نظرت زیبا نماید، و دوست دارد همچون او باشی.	ح ۲۹۳	همنشینی با فرومایه زمینه همانند او شدن <sup>۴</sup>

- دستور به جدایی و دوری از کج‌روان، تنها دستوری تعبدی نیست؛ بلکه به دلیل تأثیر منفی همنشینی با کج‌روان بر رفتارهای شخص است.
- این توصیه را نیز نمی‌توان تنها جنبه اخلاقی نگریست؛ بلکه به دلیل تأثیرات مثبتی است که همنشینی با پرهیزکاران بر رفتارهای شخص دارد.
- انسان هر قدر پاک هم باشد نباید در جاهایی که تهمت‌خیز است همانند مجلس شراب، محله‌های بدنام، مراکز فساد و ... گام بگذارد و یا با افراد بدنام و آلوده طرح دوستی بریزد، وگرنه انسان متهم می‌گردد و در واقع آبروی خود را به دست خود ریخته است (مکارم، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۷۸۶-۷۸۷).
- به اجمال رساننده این پیام است که انحراف شخص فرومایه بر فرد همنشین او اثر منفی می‌گذارد و کم‌کم او را همانند خودش می‌سازد.

### مقوله‌بندی محوری

در این قسمت کدهای اولیه، در قالب مفاهیم محوری و کلی‌تری تجمیع می‌شوند و بعد توضیح‌هایی نسبت به آنها ارائه می‌گردد.

جدول شماره (۲): مقوله‌بندی محوری

مقوله‌ها	مفاهیم
پرهیز از برخی همنشینی‌ها	تأثیر مشورت با بخیل در بازداشت از نیکوکاری؛ تأثیر مشورت با ترسو در تضعیف روحیه؛ تأثیر مشورت با حریص در ستمکار شدن؛ همنشینی با هوپرستان زمینه فراموشی ایمان و حضور شیطان؛ دوری از افراد جاهل هم‌تراز پیوند با عاقلان؛ پرهیز از دوستی با نادان؛ پرهیز از دوستی با بخیل؛ پرهیز از دوستی با بدکار؛ پرهیز از دوستی با دروغگو؛ همنشینی با فاسقان زمینه ملحق شدن به فاسقان؛ تلاش برای دوری از بدکاران؛ توصیه به دوری از بدکاران؛ پرهیز از دوستی با بی‌خردان؛ پرهیز از دوستی با خلافکاران؛ پرهیز از معاشرت با مردم غافل از یاد خدا؛ همنشینی با فرومایه زمینه همانند او شدن؛ پرهیز از معاشرت با ستمکاران.
پرهیز از حضور در برخی مکان‌ها	پرهیز از نشستن در گذرگاه‌های بازار آلوده به وسوسه‌های شیطان؛ پرهیز از حضور در جاهای اتهام‌زا؛ پرهیز از حضور در محل‌های افراد غافل از اطاعت خدا.
معرفی و توصیه برخی الگوها برای همنشینی	توصیه به دوستی با دوستان خدا؛ توصیه به پیوستن با پرهیزکاران؛ توصیه به پیوستن با راستگویان؛ تلاش برای قرابت با نیکان؛ توصیه به پیوند با پارسایان و راستگویان.

### تحلیل یافته‌ها

گزاره‌هایی که در نهج البلاغه درباره همنشینی و همنشینان وجود دارد، نشان می‌دهد که اسلام اهمیت فراوانی برای آن قائل بوده و تأثیر آن را بر شکل‌گیری شخصیت و رفتار فرد، نوع جایگاه اجتماعی وی و حتی سعادت و یا شقاوت دنیوی و اخروی او جدی می‌داند. اساساً از همین منظر است که در قرآن کریم آمده است روز قیامت شخص خلافکار وقتی می‌بیند در نتیجه انتخاب نادرست دوست، دچار عذاب و خسران شده و روانه جهنم است، ناله سر می‌دهد که: «ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم».<sup>۱</sup> در اهمیت همنشینی همین بس که حضرت امیر (علیه السلام) شناسایی هر کس را از طریق دوست و همنشین وی می‌داند و این بیان ناظر بر جایگاه و نقش همنشینان در دادن شخصیت و هویت به همدیگر است. خاستگاه این اهمیت و تأثیرگذاری را می‌توان در فراگیری و پیروی هر یک از همنشینان، از خصلت‌ها و ویژگی‌های رفتاری طرف دیگر دانست. بر مبنای این اهمیت، توصیه‌هایی که در گزاره‌های دین اسلام و بالطبع در کلمات حضرت امیر (علیه السلام) در خصوص توجه به همنشین و «پرهیز از برخی همنشینی‌ها» وجود دارد، فراتر از نگاه سطحی در پرهیز از همنشینی رودررو و چهره‌به‌چهره افراد با

۱. «یا وَیْلَتی لَیْتَنی لَمْ أَتَّجِدْ فُلَانًا خَلِیلًا» (فرقان، ۲۸).

ویژگی‌های خاص رفتاری همانند: بدکاری، دروغ‌گویی، نادانی، هواپرستی، ترسویی، بخیل بودن، و... دارند؛ همچنین در این گزاره‌ها با «معرفی و توصیه برخی الگوها برای همنشینی»، همانند توصیه به دوستی با دوستان خدا، توصیه پیوند با راستگویان و پرهیزکاران و... و نیز «احتراز از حضور در برخی مکان‌ها» و... ناظر بر سالم‌سازی محیط فکری و روحیات افراد، جهت دوری از رفتارها و پدیده‌های نابهنجار به جهت تأثیرات منفی آنها بر شخصیت افراد است. در ادامه با تفصیل بیشتری موارد یاد شده را توضیح می‌دهیم.

### پرهیز از برخی همنشینی‌ها

آنچه از گزاره‌های منسوب به حضرت امیر (علیه السلام) در این خصوص استنباط شده و بلکه کلمات بدان تصریح دارند، این است که از برخی همنشینی‌ها باید دوری کرد؛ چراکه برخی همنشینی‌ها آثار و پیامدهای ناگواری را ولو ناخواسته، برای فرد به دنبال دارند؛ به‌عنوان مثال، مشورت با بخیل زمینه‌ساز بازداشت فرد از نیکوکاری شده، و یا مشورت با ترسو موجب تضعیف روحیه انسان می‌گردد؛ همچنین همنشینی با فرد حریص منجر به ستمکار شدن، همنشینی با هواپرستان زمینه‌ساز فراموشی ایمان و حضور شیطان، همنشینی با دروغگو منجر به هلاکت و خواری فرد می‌شود. به واقع نمی‌توان از پیامدهای نابهنجارانه دوستی با فرد نادان و بی‌خرد به دور ماند؛ اینکه حضرت می‌فرماید همنشینی با فاسقان موجب پیوستن به اشرار می‌شود و یا از افراد خلافکار، بخیل، بدکار و دروغگو باید پرهیز کرد، نمی‌توان اینها را صرفاً توصیه‌هایی اخلاقی و نصیحت‌گونه تلقی کرد، بلکه دقیقاً خبر از عواقبی است که در نتیجه معاشرت و همنشینی با چنین افرادی برای انسان ایجاد خواهد شد. در نتیجه یکی از رویکردهای مهم برای پرهیز از فراگیری کنش‌های انحرافی و ناقض هنجارهای اجتماعی و دینی، دوری از همنشینی و دوستی با افرادی است که در جامعه انحرافات و لغزش‌های ذهنی و رفتاری دارند. مشابه این بحث را در نظریه ادوین ساترلند می‌توان مشاهده کرد؛ وی در نظریه پیوند افتراقی خود، برای کنترل و مهار رفتارهای نابهنجار، معتقد است که عمل مجرمانه در ارتباط مستقیم و یا غیر مستقیم با افرادی که رفتارهای مجرمانه و ناقض هنجارهای اجتماعی دارند، فرا گرفته می‌شود و فردی که این رفتار نابهنجار را می‌آموزد، از انجام رفتارهای نابهنجار و مطابق قواعد عمومی جامعه گریزان می‌شود. به همین جهت در صورتی که بتوان در ارتباطات و پیوندهای افراد در معرض تعامل با هنجارشکنان، تغییراتی ایجاد کرد، می‌توان به حل مسائل اجتماعی امیدوار و بر مهار این قبیل انحرافات فائق آمد (کرون، ۱۳۹۰، ص ۴۵).

### پرهیز از حضور در برخی مکان‌ها

پیرو نظریه «همجواری»، روان‌شناسان اجتماعی، همجواری را یکی از علل همنشینی و ایجاد پیوند میان افراد می‌دانند. آنان معتقدند که بسیاری از افراد یا در اثر تماس‌های تصادفی‌ای که با هم دارند، با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند؛ و یا به سبب تماس‌هایی که ناگزیرند با هم داشته باشند؛ برای مثال افراد در ارتباطات ناخواسته خود با دیگران در کوچه‌ها یا بازار، ممکن است مرتب یکدیگر را ببینند. آنان معتقدند که ما اغلب، با نگرانی، در برابر افراد جدید واکنش نشان می‌دهیم؛ اما با تکرار تماس‌ها و ملاقات‌های اتفاقی، این نگرانی و اضطراب کاهش می‌یابد. با این همه، این واقعیت است که چنین همنشینی‌هایی ناخواسته شکل می‌گیرند و در شرایط خاصی که طرفین برای ایجاد ادامه ارتباط انگیزه داشته باشند یا اینکه دارای ویژگی‌ها و جاذبه‌هایی باشند که در آنها انگیزه ایجاد کند، ادامه می‌یابند. بدین شکل است که آنان همجواری را اولین گام و یکی از مؤثرترین گام‌های ایجاد جاذبه میان افراد می‌دانند (سلیمی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۷۵-۷۶).

توصیه‌های حضرت امیر (علیه السلام) مبنی بر پرهیز از نشستن در گذرگاه‌های بازار آلوده به وسوسه‌های شیطان، و یا هشدار نسبت به پرهیز از حضور در جاهای اتهام‌زا، و نیز پرهیز از حضور در محل‌های افراد غافل از اطاعت خداوند و... ناظر بر وجود خطر انحراف‌پذیری و هم‌رنگی است که در نتیجه تعامل و حشر و نشر با چنین افراد و مراکزی در اندیشه، روحیه و عملکرد انسان ایجاد می‌شود؛ چراکه بسیاری از انحرافات محصول همین همجواری‌های تصادفی و گریزناپذیر است؛ یعنی ابتدا تماس‌های تصادفی و پیش‌بینی نشده‌ای که در کوچه و خیابان و بازار به دلیل داشتن جاذبه‌های خاص خود طی تماس‌های اولیه ایجاد شده و به دلیل فراهم بودن زمینه‌ها و شرایط انحرافی در فرد ادامه می‌یابد و او را به مرور به طرف هنجارشکنی سوق می‌دهد.

### معرفی برخی الگوها برای همنشینی

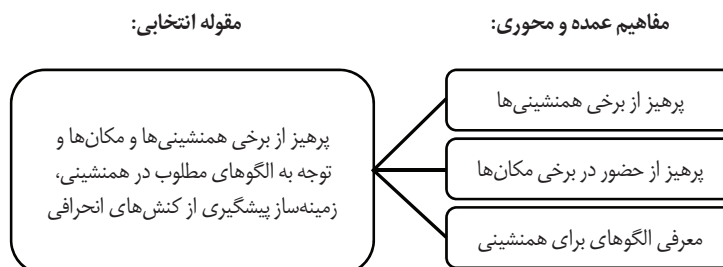
بی‌تردید انسان‌ها در روابط اجتماعی خود با افراد یا گروه‌هایی که به آنان علاقه دارند یا برایشان ارزش و احترام قائل‌اند، به‌عنوان الگوهای نقش و گروه‌های مرجع رفتارشان را سرمشق خود قرار داده و در فراگرد یادگیری مؤثر واقع می‌شوند؛ خاستگاه چنین رویکردی در احساس محبت و تعلق افراد به ایشان نهفته است که موجب می‌شود آنان را به‌عنوان الگوهای مثبت و قابل احترام در کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی پیروی کرده و همواره دید تأییدی نسبت به چنین الگوهایی داشته باشند.

با بررسی کلمات حضرت در این زمینه به دست می‌آید که معرفی الگو نقش قابل توجهی در پیشگیری از انحرافات اجتماعی دارد، چراکه فرد با تلاش خود، سعی در نزدیک ساختن روحیات و منش خود با الگوی معرفی شده دارد. مؤید این یافته‌ها، نظریه گروه مرجع است که براساس آن، همه

انسان‌ها زندگی، تفکر، احساس و اعمال خود را از طریق ارجاع به گروه‌های خاصی، ارزیابی می‌کنند و تصمیم می‌گیرند. افراد چه عضو این گروه‌ها باشند و چه نباشند، درباره آنها دارای نگرشی مثبت و یا منفی اند. براساس این نظریه، افراد دقیقاً همان‌گونه رفتار نمی‌کنند که گروه مرجع‌شان می‌پسندد، بلکه افراد برای تعیین نحوه احساسات، تفکر و اعمال‌شان نیز به گروه مرجع‌شان مراجعه می‌کنند و در گیرودار زندگی روزمره خود از آن گروه‌های مرجع، تأثیر قابل توجهی را در تفکر و عمل خود می‌پذیرند، حتی اگر از این تأثیرپذیری آگاهی کاملی نداشته باشند. به همین منظور جهت کنترل بر رفتارها و جلوگیری از انجام رفتارهای نابهنجار، افراد می‌بایست در معاشرت و مؤانست با گروه‌های مرجعی که رویکردهای رفتاری‌شان انحراف از هنجارهای اجتماعی دارد، مواظبت و مراقبت داشته باشند و در نتیجه یکی از فرایندهای اجتماعی شدن افراد را به این شیوه مدیریت نمود (کرون، ۱۳۹۰، ص ۴۵-۴۶).

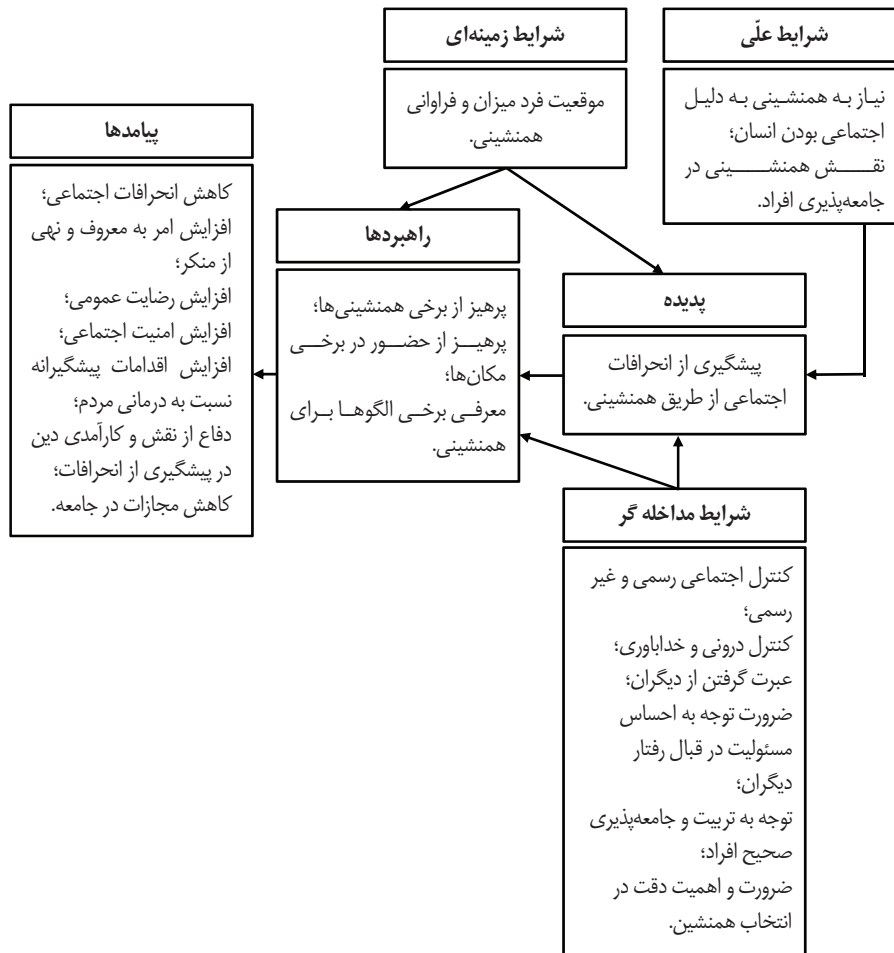
با برداشتی که از گزاره‌های مرتبط با مقوله یاد شده، از حضرت امیر (علیه السلام) به دست می‌آید، معرفی برخی الگوها برای همنشینی، می‌تواند زمینه‌ساز پیشگیری افراد از انحرافات اجتماعی شود. از این رو حضرت بشریت را توصیه به دوستی با دوستان خدا، پیوستن به پرهیزکاران و راستگویان و تلاش برای نزدیکی با نیکان، و پیوند با پرهیزکاران و راستگویان داشته‌اند.

## جدول مقوله انتخابی:



به نظر می‌رسد مقوله هسته‌ای و یا انتخابی که بتواند مفاهیم مذکور در مقوله محوری را پوشش دهد، «پرهیز از برخی همنشینی‌ها و مکان‌ها و توجه به الگوهای مطلوب در همنشینی، زمینه‌ساز پیشگیری از کنش‌های انحرافی» است که ناظر به مجموعه‌ای از عوامل تربیتی، شناختی و پاسخگویی مطلوب به احساس نیاز در تعامل با دیگران در جامعه است.

در انتها بحث را با ترسیم نموداری براساس شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر مؤثر در وقوع پدیده «پیشگیری از انحرافات اجتماعی از طریق همنشینی» و نیز بیان راهبردها و پیامدهای مترتب بر چنین رویکردی، به پایان می‌بریم.



نمودار شماره (۲): علل، شرایط زمینه‌ساز و مداخله‌گر پیشگیری از انحرافات اجتماعی از طریق همنشینی

### نتیجه‌گیری

اکثریت قریب به اتفاق اندیشمندان در حوزه‌های مختلف علمی، معتقدند که جرم پدیده‌ای اجتماعی است؛ از این رو هر چند کنشگر اجتماعی از اختیار و نقش‌آفرینی و قدرت انتخاب در افعال اجتماعی برخوردار است، اعمال هنجارشکنانه وی نیز در بستر جامعه رخ می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که اگر روابط اجتماعی افراد با یکدیگر نبود، تصور رخداد رفتار انحرافی غیرممکن بود؛ بنابراین، نقش شرایط و بسترهای جامعه و همنشینی افراد با یکدیگر، به‌عنوان یکی از مظاهر زیست اجتماعی، بسیار مهم است. در نگاه همه جانبه‌نگر اسلامی، به این شرایط و بسترهای تعامل انسان‌ها با یکدیگر، توجه شده



و زمینه‌سازی جامعه برای رشد رفتارهای انحرافی به شدت محکوم و در کنار آن راهکارهای متعددی را متناسب با شرایط و اقتضانات مربوط به هر انحرافی ارائه داده است.

طبقه یافته‌های پژوهش حاضر، نیاز به همنشینی به دلیل اجتماعی بودن انسان و نیز نقش همنشینی در جامعه‌پذیری انسان به‌عنوان شرایط علی مؤثر در ضرورت شکل‌گیری همنشینی در زیست اجتماعی انسان مورد توجه جدی است. در این وضعیت، برخی از شرایط مداخله‌گر تأثیرگذار در نقش پیشگیری‌کننده از وقوع کنش‌های انحرافی را فراهم می‌کنند که عبارتند از: کنترل‌های اجتماعی غیررسمی و رسمی، کنترل‌های درونی به وجود آمده از جامعه‌پذیری افراد در قالب درونی‌سازی باورداشت اعتقادی و ارزش‌های منبعث از هنجار خداپاوری، عبرت گرفتن از کنش‌های فاقد کنترل دیگران، ضرورت توجه به احساس مسئولیت در قبال رفتار دیگران، توجه به تربیت و جامعه‌پذیری صحیح افراد و ضرورت و اهمیت دقت در انتخاب همنشین.

موقعیت فرد، ساختار اجتماعی، شدت، میزان و فراوانی همنشینی، نقش شرایط زمینه‌ای را در پیشگیری از انحرافات اجتماعی در مورد همنشینی ایفا می‌کنند و پدیده مورد نظر در نمودار شماره (۲)، «پیشگیری از انحرافات اجتماعی از طریق همنشینی» است. همچنین برای تحقق پدیده مزبور و با توجه به شرایط علی و زمینه‌ساز راهبردهایی، همچون پرهیز از برخی همنشینی‌ها، معرفی و تحریم برخی الگوها برای همنشینی و پرهیز از حضور در برخی مکان‌ها پیشنهاد می‌شود؛ به‌گونه‌ای که با اجرای مدل علی ارائه شده، می‌توان پیامدهایی همچون کاهش انحرافات اجتماعی، افزایش امر به معروف و نهی از منکر، افزایش رضایت عمومی، افزایش امنیت اجتماعی، افزایش اقدامات پیشگیرانه نسبت به رویکردهای اصلاحی، اهمیت یافتن کاربست رویکردهای اخلاقی در ارتباط با مردم، دفاع از نقش و کارآمدی دین در پیشگیری از انحرافات و در نهایت کاهش مجازات در جامعه را شاهد بود.

## منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۷۸)، ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- \* سیدرضی، نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات مشرقین.
۱. استراوس، انسلم ال. و جولیت کریین (۱۳۹۰)، مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
  ۲. بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۲)، نظریه‌سازی در علوم اجتماعی با تطبیق بر جامعه‌شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
  ۳. بیرو، آلن (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: مؤسسه کیهان.
  ۴. خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۹۳)، مراحل سه‌گانه پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرآنی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
  ۵. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، دایرة‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان.
  ۶. سلیمی، و همکاران (۱۳۸۸)، همنشینی و کج‌روی نگاهی به دیدگاه‌های اسلامی و یافته‌های اجتماعی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
  ۷. کرون، جیمز (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی (چگونه مسائل اجتماعی را حل کنیم)، ترجمه مهرداد نوابخش و فاطمه کرمی، تهران: جامعه‌شناسان.
  ۸. کوئن، بروس (۱۳۷۲)، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا.
  ۹. کوپین، جیمز براین و دیگران (۱۳۷۳)، مدیریت استراتژیک «فرایند استراتژی»، ترجمه: محمد صائبی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
  ۱۰. کی‌نیا، مهدی (۱۳۶۹)، مبانی جرم‌شناسی، جلد دوم: جامعه‌شناسی جنایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
  ۱۱. محمدپور، احمد (۱۳۹۰)، روش تحقیق کیفی ضد روش ۲، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
  ۱۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۹۰)، پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام): شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، جلد دوازدهم، چاپ اول، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
  ۱۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۹۰)، پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام): شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، جلد سیزدهم، چاپ اول، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
  ۱۴. معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، دوره متوسط شش جلدی، چاپ هشتم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.